

وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازننگری برنامه های درسی

مصوب شورای عالی برنامه ریزی

رضا نوروززاده

دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت معلم

دکتر رضا محمودی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم

دکتر کوروش فتحی واجارگاه

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم

چکیده

برنامه های درسی یکی از عناصر اصلی و مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی و تناسب نگرش، دانش و مهارت دانش آموختگان دانشگاهها با آخرین دستاوردهای علمی، فناوری و نیاز بازارکار است. از این رو، بازننگری برنامه های درسی رشته های تحصیلی و روزآمد کردن آنها همواره مورد توجه بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سهم بازننگری برنامه های درسی رشته های تحصیلی دانشگاهها طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور (۸۳-۱۳۷۹) انجام شده است. روش شناسی تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی (کیفی) است و جامعه آماری آن شامل ۳۱ دانشگاه می شود که بازننگری برنامه درسی به آنها واگذار شده است. برای جمع آوری اطلاعات از چک لیستهای محقق ساخته و مصاحبه نیمه ساختارمند و برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخصهای آمار توصیفی استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که ۱. سهم واگذاری بازننگری برنامه درسی دانشگاههای دارای هیئت ممیزه بیشتر است؛ ۲. بیشترین سهم واگذاری بازننگری برنامه درسی به گروه علوم انسانی و کمترین سهم به گروه هنر تعلق دارد؛ ۳. بیشترین سهم واگذاری بازننگری برنامه درسی به دوره کارشناسی و کمترین سهم مربوط به دوره دکتری است؛ ۴. بیشترین سهم واگذاری بازننگری برنامه درسی به دانشگاههای مستقر در تهران به ویژه دانشگاه تهران تعلق دارد؛ ۵. نبود زیرساختهای مناسب، کمبود نیروهای متخصص و کارآمد در حوزه برنامه ریزی درسی، عدم رعایت اصول علمی در مراحل مختلف برنامه ریزی درسی، کمبود منابع مالی، نبود الگو یا راهنمای عملی برای برنامه ریزی درسی دانشگاهی و نبود الگوی فرایند نظارت و ارزیابی، قرائت حداقلی از برنامه های درسی، مقاومت برخی از اعضای هیئت علمی در مقابل تغییر برنامه درسی، عدم سازگاری روح واگذاری اختیارات با آزمون متمرکز دوره های کارشناسی ارشد و نداشتن انگیزه اعضای هیئت علمی برای مشارکت از جمله مشکلات دانشگاهها در خصوص فرایند بازننگری و تدوین برنامه های درسی دانشگاهی است.

کلید واژگان: نظام آموزش عالی، دانشگاه، برنامه ریزی درسی و بازنگری برنامه‌های درسی.

The Universities Participation Status in Revising the Curricula Approved by the Higher Council for Planning

Reza Nourooz – zadeh
*Doctorate Student at Curriculum
Development, Tarbiat Moallem University*

Dr. Reza Mahmoodi
*Department of Psychology & Education,
Tarbiat Moallem University*

Dr. Koouroush Fathi Vajargah
*Department of Psychology & Education,
Shahid Beheshti University*

Dr. Abdol – Rahim Nave Ebrahim
*Department of Psychology & Education,
Tarbiat Moallem University*

Curricula are the main and important components of the higher education quality progression. In addition, alumni's attitudes, knowledge and skills should be based on latest scientific, technological outcomes and the market needs. Therefore, the revision of the educational programs and updating them have always been emphasized. The aim of this study was to investigate the status of university programs during the Third Economic, Social, Cultural, and Political Development Plan (۱۹۹۸ – ۲۰۰۲). Using qualitative method, a sample of ۳۱ universities were selected. Then, a series of researcher-made checklists and semi-structured interviews were administered. The data were analyzed using various descriptive statistics. Results indicated that: ۱. The revision rate of the curricula across the universities having a audit board is higher, ۲. The highest and least rates of the curricula sessions belong to the humanities and arts groups respectively, ۳. The highest and least rates of the curricula revision belong to the undergraduate and doctoral levels respectively, ۴. The highest rate of the curricula session belongs to the universities located in Tehran (particularly, University of Tehran), and ۵. The lack of appropriate infrastructures, the shortage of competent and professional specialists within the curricula framework, the lack of the commitment to the scientific principles in various stages of the curricula, the shortage of financial sources, the lack of models or practical guidelines for the academic curricula, the lack of a monitoring and evaluation process, a narrow interpretation of the curricula, the resistance of a group of faculty members against any changes in the curricula, the lack of adjustment of the spirit of the session powers with the centralized examinations of the postgraduate level and the lack of faculty members'

وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازنگری برنامه‌های درسی ... ۷۳

motivation to participate, are among the universities problems for the academic curriculum revision and development process.

Keywords: Higher Education, Curricula Revision Curriculum Development, and Iran.

مقدمه

برنامه‌های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند. از این رو، برنامه‌های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند، آیینه نقشها و اهداف آموزش عالی و شایسته توجه دقیق هستند (آلتباخ^۱، ۱۹۸۸). با توجه به رسالتها، اهداف و نقش آموزش عالی در عصر حاضر، برنامه‌های درسی باید اصلاح و بازنگری شوند. به طوری که استارک^۲ (۱۹۹۷) اظهار می‌کند، تغییر و اصلاح در برنامه‌های درسی در کشورها و دانشگاههای پیشرفته جهان مطابق تحولات صورت می‌گیرد. چنین تغییری به نظام آموزش عالی کمک می‌کند تا نیازهای مبتلا به جامعه را برآورده سازد. تغییرات برنامه درسی باید در خدمت اصلاح برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی و موجب اثربخشی آنها شود.

برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش عالی ایران تا سال ۱۳۵۷ عمدتاً الگوبرداری از برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی به سبک دانشگاههای فرانسوی بود. در نظام دانشگاهی پیش از انقلاب اسلامی گرچه دانشگاهها در زمینه برنامه‌ریزیهای آموزشی و درسی از استقلال نسبی برخوردار بودند، اما هیچ‌گاه برنامه‌ریزی درسی به صورت دانش سازمان یافته مورد توجه مدیران دانشگاهی نبوده است (رحمان سرشت، ۱۳۷۷).

بنابر ضرورت‌هایی، پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی متمرکز بر نظام آموزش عالی حاکم شد. بر این اساس، ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ تشکیل شد و به تعیین جهت‌گیریهای برنامه‌ریزی آموزشی و درسی پرداخت.

۱. Altbach

۲. Stark

پس از تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای عالی برنامه‌ریزی شکل گرفت. این شورا طبق مصوبه جلسه فوق العاده مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی برای امر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی از میان صاحب‌نظران و استادان باتجربه دانشگاهها با اهداف زیر تشکیل شد [۱]:

- ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی؛
 - رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه‌ریزی آموزشی، درسی و پژوهشی؛
 - ایجاد هماهنگی در برنامه‌های درسی، مقررات آموزشی و تربیت نیروی انسانی؛
 - ایجاد ارتباط بین نهاد تصمیم‌گیری و دستگاههای اجرایی؛
 - به روزکردن برنامه‌های درسی و انطباق با نیازهای اجتماعی - اقتصادی کشور (اکرمی، ۱۳۸۳).
- از اواخر دهه ۱۳۶۰ و نیمه اول دهه ۱۳۷۰، برخی از واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دهه اول انقلاب موجب شد تا در الگوی برنامه‌ریزی درسی متمرکز (حوزه ستادی) تجدید نظر شود. نخستین گامهای احساس ضرورت مجدد به تمرکززدایی و استقلال برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی را می‌توان در قانون تشکیل هیئتهای امنای دانشگاهها مشاهده کرد (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۸). با این رویکرد، اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاههای وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اهداف زیر واگذار شد:

- الف. انطباق هر چه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه؛
 - ب. نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاهها؛
 - ج. روزآمد کردن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری؛
 - د. تناسب بیشتر برنامه درسی با امکانات و تواناییهای دانشگاهها (آیین‌نامه واگذاری اختیارات...، ۱۳۷۹).
- براساس اختیارات مذکور، دانشگاهها می‌توانند با توجه به نیازهای جامعه و تحولات علمی روز، درخصوص ایجاد رشته‌های جدید همراه با ارائه گزارش توجیهی ضرورت ایجاد رشته و امکان اجرای آن به شورای عالی برنامه‌ریزی پیشنهاد دهند. پس از تصویب عنوان رشته جدید دانشگاهها می‌توانند با رعایت مفاد این آیین‌نامه برنامه درسی آن رشته را تدوین و پس از اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی آن را اجرا کنند. همچنین، دانشگاهها می‌توانند در چارچوب آیین‌نامه‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی،

درخصوص بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود در آن دانشگاه اقدام کنند (آیین‌نامه واگذاری اختیارات...، ۱۳۷۹). دانشگاهها در اقدامات مربوط به برنامه‌ریزی درسی برای ایجاد رشته، بازنگری، تغییر و ... باید موارد زیر را لحاظ کنند:

الف. رعایت اصول و روشهای علمی برنامه‌ریزی درسی؛ ب. بهره‌گیری از بررسیهای کارشناسی و پژوهشی؛ ج. بهره‌گیری از همفکری و مشارکت صاحب‌نظران سایر دانشگاهها و بخشهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور حسب مورد.

همچنین، برنامه‌ریزان درسی دانشگاهی در طراحی، ارزیابی و تصویب برنامه‌های درسی معیارهای زیر را باید مورد توجه قرار دهند:

الف. ارزشها، اهداف و راهبردهای کلی کشور؛ ب. پاسخگویی به نیازهای جامعه؛ ج. هماهنگی با تحولات علمی روز؛ د. گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش؛ هـ ایجاد روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانش‌آموختگان؛ و. ایجاد قابلیت و مهارتهای مهم برای ورود به جامعه و بازار کار (آیین‌نامه واگذاری اختیارات...، ۱۳۷۹). روند تدوین برنامه درسی هر یک از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی براساس آیین‌نامه تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاهها در شکل ۱ نشان داده شده است.

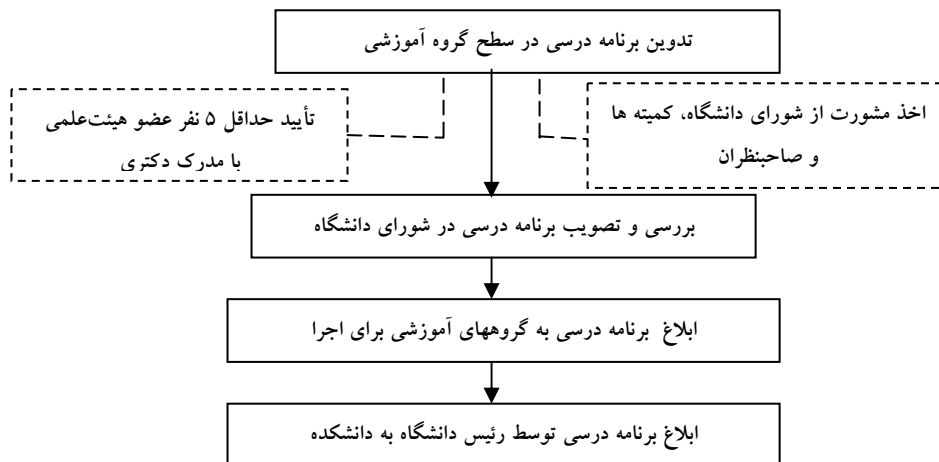
روندی که برای تدوین برنامه درسی دانشگاهی برای دانشگاهها در ایران در نظر گرفته شده است با اقداماتی که در دانشگاههای سایر کشورها بدین منظور لحاظ شده است، همخوانی دارد. به طوری که بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد، روند تدوین برنامه درسی دانشگاهی در دانشگاههای آدلاید^۳، پرتوریا^۴ و فری استید یونیورسیتی^۵ تا حدود زیادی با روند تدوین برنامه درسی در ایران همخوانی دارد، چرا که در این دانشگاهها نیز فرایند تدوین فرایندی صعودی دارد؛ یعنی تدوین برنامه درسی در سطح گروه یا دپارتمان آموزشی آغاز و با تصویب در شورای دانشگاه اجرا می‌شود (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۸ به نقل از پری^۶، ۱۹۹۰؛ جاودانی، ۱۳۸۳).

۳. Adlide

۴. Pretoria

۵. Free State University

۶. Perry



شکل ۱- روند تدوین برنامه درسی دانشگاهی

استوکر^۷ در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که سبک رهبری و سطوح هماهنگی بین گروه‌های آموزشی درگیر در برنامه‌ریزی درسی به نوع رشته تحصیلی آنها ارتباط دارد، بدین ترتیب که در گروه‌های علوم پایه در مقایسه با علوم اجتماعی و انسانی، در خصوص هدف‌های برنامه‌های درسی توافق بسیاری وجود دارد (ساکی و همکاران، ۱۳۸۴). استارک و لاتاکا^۸ (۱۹۹۳) در تحقیقی دریافتند که از موانع مهم بر سر راه کوشش‌های اصلاح برنامه‌های درسی مفروضات برخی از استادان و مدیران در باره ارزش‌سنجی رشته‌های تحصیلی مختلف است.

^۷. Stoker

^۸. Stark & Lattuca

لونبرگ^۹ (۱۹۹۵) با مطالعه موردی «الگوی برای برنامه ریزی درسی مؤثر و تجدید نظر در برنامه‌های درسی» با بیان جهت‌گیریهای کلی صنعت و تجارت، نیاز روزافزون به بازسازی برنامه‌های درسی و اصلاح روشهای تدریس در آموزش عالی را مورد تأکید قرار داده است. مازولی^{۱۰} (۲۰۰۰) یافته‌های پژوهشی خود را در زمینه ادراکات اعضای هیئت علمی دانشگاهها و تأثیر آنها بر برنامه‌ریزی درسی را بدین ترتیب گزارش می‌کند:

«اعضای هیئت علمی تأثیر زیادی بر برنامه‌ریزیهای درسی و محتوای درسی در آموزش عالی دارند. تأثیر گروههای بیرونی بر برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی در حد متوسط است و بیشترین تأثیر را اعضای هیئت علمی دارند. علی‌رغم موافقت با تأثیرات و تفاوت‌های دیگر، اعضای هیئت علمی همچنان بیشترین تأثیر را بر برنامه‌ریزی درسی دارند.»

نتایج پژوهش وزیری (۱۳۷۸) بیانگر آن است که اعضای هیئت علمی و دانشجویان شش گروه عمده نظام آموزش عالی (پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی، کشاورزی، دامپزشکی و هنر) برنامه‌های درسی خود را از نظر هماهنگی با پیشرفتهای علمی و هدفهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توجه به کیفیت نهایی بروندهای آموزش عالی مناسب نمی‌دانند و برای نیل به اهداف مطلوب باید از تمرکزگرایی کنونی فاصله گرفت و با جلب مشارکت اعضای هیئت علمی و حتی دانشجویان در کنار شورای عالی برنامه‌ریزی به پاسخگویی بیشتر به نیازهای جامعه در حال توسعه نزدیک شد. عدم مشارکت دانشگاهیان در فرایند برنامه‌ریزی درسی و نبود ارتباط میان محتوای رشته‌ها با نیازهای مخاطبان از جمله انتقادهایی است که توجه به تفویض اختیار برنامه‌ریزی درسی را به دنبال دارد. در همین خصوص، اختیارات برنامه‌ریزی درسی در سال ۱۳۷۹ به برخی از دانشگاهها واگذار شد (نوروززاده، ۱۳۸۵). پژوهش حاضر در صدد بررسی سهم واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به دانشگاههاست.

روش پژوهش

۹. Levenburg

۱۰. Mazzoli

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و جامعه آماری آن ۳۱ دانشگاه، مرکز و مؤسسه آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را شامل می‌شود. در این تحقیق کل جامعه آماری به صورت سرشماری مطالعه و داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی اسناد و مدارک موجود در دفتر نظارت و ارزیابی وزارت علوم و دانشگاههای مجری بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاهی جمع‌آوری شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، چک لیستهای محقق ساخته بوده است. به علاوه، از مصاحبه نیمه ساختارمند برای بررسی مسائل و مشکلات بازنگری برنامه‌های درسی محتوای آموزشی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی استفاده و داده‌ها نیز براساس شاخصهای آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها

سؤال اول: سهم بازنگری برنامه‌درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی در دانشگاههای دولتی [دارای هیئت ممیزه] و سایر دانشگاهها چگونه است؟

در راستای تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی، در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۱۳۷۹-۱۳۸۳) ردیف اعتبار متمرکز (به شماره ۱۱۳۵۱۳) به منظور طرح بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تخصیص داده شده است. با این همه، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مرحله اجرا، بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاهی توسط دانشگاههای فاقد هیئت ممیزه را منتفی ندانسته است و بازنگری برنامه‌های درسی را به دانشگاههایی که توانایی لازم را برای بازنگری برنامه‌های درسی داشته‌اند، واگذار کرده است. بر همین اساس، وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاههای دارای هیئت ممیزه و سایر دانشگاهها مبنای سؤال اول پژوهش قرار گرفته است. در جداول ۱ و ۲ این وضعیت نشان داده شده است.

جدول ۱- وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی به تفکیک دانشگاهها

(۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳)

۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳		سال	نوع دانشگاه
تعداد	درصد		

وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازنگری برنامه‌های درسی ... ۷۹

دارای هیئت ممیزه	۳۶۳	۹۵
سایر دانشگاهها	۲۰	۵
جمع	۳۸۳	۱۰۰

جدول ۱ بیانگر آن است که در طی سالهای ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳، ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی برای بازنگری به دانشگاه واگذار شده است. از این تعداد ۳۶۳ برنامه درسی؛ یعنی ۹۵ درصد سهم بازنگری برنامه درسی دانشگاههای دارای هیئت ممیزه و ۲۰ برنامه درسی؛ یعنی ۵ درصد سهم بازنگری برنامه درسی سایر دانشگاهها بوده است. تفاوت مهم واگذاری به علت واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاههای دارای هیئت ممیزه است. برای واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی به دانشگاهها توان دانشگاهها، وضعیت اعضای هیئت علمی، دوره های تحصیلات تکمیلی، قطب علمی و ... ملاک عمل بوده است (جدول ۲).

جدول ۲- وضعیت تفویض بازنگری برنامه درسی رشته های تحصیلی به دانشگاهها (۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳)

درصد	جمع	۸۳		۸۲		۸۱		۸۰		۷۹		سال
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹۵	۳۶۳	۹۸	۵۹	۹۵	۵۷	۹۲	۱۱۵	۹۸	۵۴	۹۴	۷۸	دارای هیئت ممیزه
۵	۲۰	۲	۱	۵	۳	۸	۱۰	۲	۱	۶	۵	سایر دانشگاهها و مراکز
۱۰۰	۳۸۳	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۲۵	۱۰۰	۵۵	۱۰۰	۸۳	جمع

همان گونه که در جدول ۱ اشاره شده است، تعداد ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی برای بازنگری به دانشگاهها واگذار شده است. به علاوه، داده‌های جدول نشان می‌دهد که بیشترین برنامه‌های درسی به ترتیب در سالهای ۱۳۸۱ (۱۲۵ برنامه درسی)، ۱۳۷۹ (۸۹ برنامه درسی)، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ (هر کدام ۶۰ برنامه درسی) و ۱۳۸۰ (۵۵ برنامه درسی) برای بازنگری به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی واگذار شده است.

سؤال ۲: سهم بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی گروههای آموزشی (فنی و مهندسی، علوم انسانی، کشاورزی، علوم پایه و هنر) دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی (۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳) چقدر است؟

جدول ۳ بیانگر آن است که از مجموع ۳۸۳ برنامه درسی به ترتیب ۱۳۸ برنامه درسی (۳۶ درصد) به گروه آموزشی علوم انسانی، ۱۱۰ برنامه درسی (۲۹ درصد) به گروه آموزشی فنی و مهندسی، ۵۶ برنامه درسی (۱۵ درصد) به گروه آموزشی علوم پایه، ۵۲ برنامه درسی (۱۳ درصد) به گروه آموزشی کشاورزی و ۲۷ برنامه درسی (۷ درصد) به گروه آموزشی هنر برای بازنگری به دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی سپرده شده است. همچنین، از مجموع ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی گروههای آموزشی ۸۹ برنامه درسی در سال ۱۳۷۹، ۵۴ برنامه درسی در سال ۱۳۸۰، ۱۲۳ برنامه درسی در سال ۱۳۸۱، ۵۹ برنامه درسی در سال ۱۳۸۲ و ۵۸ برنامه درسی در سال ۱۳۸۳ برای بازنگری به دانشگاهها واگذار شده است. بررسی به عمل آمده نشان می‌دهد که بخشی از اعتبارات لازم برای بازنگری برنامه‌های درسی در اختیار دانشگاهها و مؤسسات مجری قرار گرفته است.

جدول ۳- وضعیت سهم بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به تفکیک گروههای آموزشی دانشگاهها

درصد	جمع	۸۳		۸۲		۸۱		۸۰		۷۹		سال تعداد رشته گروههای آموزشی
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۹	۱۱۰	۲۶	۱۵	۲۷	۱۶	۳۸	۳۴	۳۵	۱۹	۲۹	۲۶	فنی و مهندسی
۳۶	۱۳۸	۳۳	۱۹	۳۱	۱۸	۳۷	۴۶	۲۶	۱۴	۴۶	۴۱	علوم انسانی
۱۳	۵۲	۲۶	۱۵	۸	۵	۱۵	۱۸	۱۵	۸	۷	۶	کشاورزی
۱۵	۵۶	۱۵	۹	۲۵	۱۵	۱۳	۱۶	۱۳	۷	۱۰	۹	علوم پایه
۷	۲۷	-	-	۸	۵	۷	۹	۱۱	۶	۸	۷	هنر
۱۰۰	۳۸۳	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۵۹	۱۰۰	۱۲۳	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۸۹	جمع

سؤال ۳: وضعیت بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به تفکیک مقاطع تحصیلی در طی برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور (۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳) چگونه بوده است؟

جدول ۴ - وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به تفکیک مقاطع تحصیلی

سال	۷۹		۸۰		۸۱		۸۲		۸۳		تعداد رشته‌ها مقاطع تحصیلی
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کارشناسی	۸۹	۱۰۰	۲۲	۴۱	۳۷	۳۰	۱۱	۱۹	—	—	۱۵۹
کارشناسی ارشد	—	—	۳۲	۵۹	۸۶	۷۰	۴۸	۸۱	۶	۱۰	۱۷۲
دکتری	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۵۲	۹۰
جمع	۸۹	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۱۲۳	۱۰۰	۵۹	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۳۸۳

جدول ۴ نشان می‌دهد که در مجموع بازنگری ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به دانشگاهها واگذار شده است. از این مجموع، ۱۷۲ برنامه درسی (۴۵ درصد) مربوط به دوره کارشناسی ارشد، ۱۵۹ برنامه درسی (۴۱ درصد) مربوط به دوره کارشناسی و ۵۲ برنامه درسی (۱۴ درصد) مربوط به دوره دکتری بوده است. داده‌های جدول ۴ بیانگر آن است که در سال اول برنامه سوم (۱۳۷۹) صرفاً بازنگری برنامه درسی دوره‌های کارشناسی و از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ بازنگری برنامه درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۸۳ برنامه درسی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری برای بازنگری به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی محول شده است. از جمله عواملی که باعث شده در چند سال اول برنامه صرفاً برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و در سال آخر برنامه توسعه، برنامه درسی دوره‌های دکتری برای بازنگری مدنظر قرار گیرد، سابقه و قدمت برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی در مقاطع مختلف تحصیلی بوده است.

سؤال ۴: وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌های مستقر در تهران و شهرستانها به تفکیک مقاطع تحصیلی طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور (۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳) چگونه بوده است؟

جدول ۵- وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به تفکیک دانشگاه‌های تهران و شهرستانها

سال	۷۹		۸۰		۸۱		۸۲		۸۳		تعداد رشته‌ها دانشگاه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی مستقر در تهران	۷۲	۸۲	۳۸	۶۹	۷۴	۶۰	۴۶	۷۹	۴۲	۷۴	۲۷۲	۷۱
دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی مستقر در شهرستانها	۱۷	۱۸	۱۷	۳۱	۴۹	۴۰	۱۲	۲۱	۱۶	۲۶	۱۱۱	۲۹
جمع	۸۹	۱۰۰	۵۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۵۷	۱۰۰	۳۸۳	۱۰۰

داده‌های جدول ۵ سهم واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی را به تفکیک دانشگاه‌های مستقر در تهران و شهرستانها طی سالهای ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳ نشان می‌دهد. از مجموع ۳۸۳ برنامه درسی، ۲۷۳ برنامه درسی (۷۱ درصد) به دانشگاه‌های مستقر در تهران و ۱۱۱ برنامه درسی (۲۹ درصد) به دانشگاه‌های مستقر در شهرستانها برای بازنگری محول شده است. آنچه از این جدول می‌توان استنباط کرد این است که دانشگاه‌های مستقر در تهران به دلیل وجود هیئت ممیزه و سایر ظرفیتهای موجود بیشترین سهم واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی را به خود اختصاص داده‌اند.

سؤال ۵: وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی به تفکیک دانشگاه‌های مستقر در تهران (۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۸۳) چگونه بوده است؟

جدول ۶ بیانگر آن است که در مجموع سهم واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌های مستقر در تهران حدود ۲۷۳ برنامه درسی است. از این مجموع،

وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازنگری برنامه‌های درسی ... ۸۳

به ترتیب دانشگاه تهران ۸۳ برنامه درسی (۳۰ درصد)، دانشگاه صنعتی شریف ۳۳ برنامه درسی (۱۲ درصد)، دانشگاه علامه طباطبایی ۳۳ برنامه درسی (۱۲ درصد)، دانشگاه شهید بهشتی ۲۵ برنامه درسی (۹ درصد)، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه صنعتی امیرکبیر هر کدام ۲۴ برنامه درسی (۹ درصد)، دانشگاه علم و صنعت ۱۹ برنامه درسی (۷ درصد)، دانشگاه تربیت معلم تهران و هنر تهران هر کدام ۱۱ برنامه درسی (۴ درصد)، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی ۳ برنامه درسی (۱ درصد) و سایر مراکز کمتر از ۱ درصد بازنگری برنامه‌های درسی را به عهده داشته‌اند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین سهم بازنگری برنامه درسی در دانشگاههای مستقر در تهران به دانشگاه تهران تعلق دارد و این امر به دلیل قدمت، تعداد رشته‌های تحصیلی در مقاطع مختلف، وضعیت اعضای هیئت علمی، قطب علمی و ... این دانشگاه بوده است.

سؤال ۶: وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاههای شهرستانها (۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳) چگونه بوده است.

جدول ۶- وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به تفکیک دانشگاههای

مستقر در تهران

درصد	جمع	۸۳		۸۲		۸۱		۸۰		۷۹		سال تعداد رشته دانشگاه
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۱	۸۳	۴۰	۱۷	۳۷	۱۷	۲۱	۱۵	۱۸	۷	۳۸	۲۷	تهران
۱۲	۳۳	۹	۴	۱۰	۵	۱۱	۸	۱۳	۵	۱۶	۱۱	صنعتی شریف
۱۲	۳۳	۵	۲	۹	۴	۱۶	۱۲	۱۳	۵	۱۴	۱۰	علامه طباطبایی
۹	۲۵	۵	۲	۹	۴	۱۵	۱۱	۸	۳	۷	۵	شهید بهشتی
۹	۲۴	۱۲	۵	۴	۲	۸	۶	۱۸	۷	۶	۴	صنعتی امیرکبیر
۴	۱۱	—	—	—	—	۷	۵	۶	۲	۶	۴	هنر تهران

علم و صنعت ایران	۶	۸	۳	۸	۳	۴	۵	۱۰	۲	۵	۱۹	۷
خواجه نصیرالدین طوسی	۱	۱	—	—	۱	۱	۱	۲	—	۳	۱	۱
تربیت معلم تهران	۱	۱	۳	۸	۲	۳	۳	۶	۲	۵	۱۱	۴
الزهرا (س)	۱	۱	—	—	۱	۱	۲	۴	—	—	۴	۱
تربیت مدرس	—	—	۳	۸	۹	۱۲	۴	۹	۸	۱۹	۲۴	۹
پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
انجمن مهندسی شیمی ایران	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
انجمن علمی معارف اسلامی	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
جمع	۷۲	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	۷۴	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۲۷۲	۱۰۰

براساس داده‌های جدول ۷، از مجموع دانشگاههای مستقر در شهرستانها صرفاً ۱۷ دانشگاه بازنگری برخی از برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی را به عهده گرفته‌اند. در مجموع، ۱۱۰ برنامه درسی برای بازنگری به دانشگاههای مستقر در شهرستانها واگذار شده است. سهم واگذاری برنامه درسی به دانشگاههای شهرستانها به ترتیب دانشگاه شیراز ۲۳ برنامه درسی، دانشگاه فردوسی مشهد ۱۸ برنامه درسی، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه تبریز هر کدام ۱۵ برنامه درسی و سایر دانشگاهها بین ۱ تا ۸ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی بوده است.

جدول ۷- وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به تفکیک دانشگاههای

مستقر در شهرستانها

سال	۷۹		۸۰		۸۱		۸۲		۸۳		جمع	درصد	تعداد رشته دانشگاه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد			
مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۱	۱
بین‌المللی امام خمینی (ره)	—	—	—	—	۲	۱	—	—	—	—	۱	۱	۱
فردوسی مشهد	۷	۴۱	۵	۲۹	۴	۸	۱	۸/۴	۱	۶	۱۸	۱۷	۱۷
صنعتی اصفهان	۲	۱۲	۴	۲۳	۶	۱۳	—	—	۳	۱۹	۱۵	۱۴	۱۴
تبریز	۲	۱۲	۱	۶	۶	۱۳	۳	۲۵	۳	۱۹	۱۵	۱۴	۱۴
شیراز	۶	۳۵	۳	۱۹	۷	۱۴	۴	۳۳	۳	۱۹	۲۳	۲۱	۲۱
اصفهان	—	—	—	۲	۵	۱۰	۱	۸/۴	—	—	۸	۷	۷
شهید باهنر کرمان	—	—	۱	۶	۲	۴	—	—	—	—	۳	۳	۳
هنر اصفهان	—	—	۱	۶	—	—	۱	۸/۴	—	—	۲	۲	۲
گیلان	—	—	—	—	۲	۴	—	—	—	—	۲	۲	۲
شهید چمران اهواز	—	—	—	—	۴	۸	۱	۸/۴	۴	۲۵	۹	۸	۸
بوعلی سینا	—	—	—	—	۲	۴	—	—	—	—	۲	۲	۲
ارومیه	—	—	—	—	۲	۴	—	—	—	—	۲	۲	۲
گرگان	—	—	—	—	۱	۲	—	—	—	—	۱	۱	۱
یزد	—	—	—	—	۱	۲	—	—	—	—	۱	۱	۱
رازی	—	—	—	—	۲	۴	۱	۸/۴	—	—	۳	۳	۳

۱	۵	۶	۱	—	—	۸	۴	—	—	—	—	هرمزگان
۱۰۰	۱۱۱	۱۰۰	۱۶	۱۰۰	۱۲	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۱۷	۱۰۰	۱۷	جمع

سؤال ۷: دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در خصوص بازنگری برنامه درسی

رشته‌های تحصیلی با چه مسائل و مشکلاتی مواجه‌اند؟

برای پاسخگویی به این سؤال از مصاحبه نیمه ساختارمند با برخی از دست‌اندرکاران حوزه بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهها استفاده و اظهارات آنها در باره مسائل و مشکلات دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در خصوص بازنگری برنامه‌های درسی جمع‌بندی شده است. اهم مسائل و مشکلات دانشگاهها در این خصوص به شرح زیر است:

- نبود زیرساختهای مناسب در دانشگاهها متناسب با تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی؛
- کمبود نیروی متخصص و کارآمد در حوزه برنامه‌ریزی درسی به ویژه در دانشگاههای مستقر در شهرستانها؛
- عدم رعایت کامل اصول علمی برنامه‌ریزی درسی در مراحل طراحی، تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی؛
- کمبود منابع مالی برای بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی؛
- نبود الگوی برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی؛
- نبود فرایند نظارت و ارزیابی از عملکرد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در خصوص بازنگری برنامه‌های درسی؛
- قرائت حداقلی از برنامه‌های درسی؛
- نبودن انگیزه در اعضای هیئت علمی برای مشارکت در فرایند بازنگری و برنامه‌های درسی؛
- مقاومت برخی از اعضای هیئت علمی در مقابل تغییر برنامه درسی؛
- عدم سازگاری روح و آگاهی اختیارات برنامه‌ریزی درسی با آزمونهای متمرکز.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌های درسی یکی از عوامل مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی و ایجاد تناسب بین نگرش، دانش و مهارت دانش‌آموختگان با آخرین دستاوردهای علمی و نیاز بازارکار است (نعمتی و

همکاران، ۱۳۸۳). از این نظر، بازنگری برنامه‌های درسی و روزآمد کردن آنها از جمله اهم وظایف آموزش عالی محسوب می‌شود. این دیدگاه با آنچه لاوتن^{۱۱} (۱۹۸۳) مطرح می‌کند، همخوانی دارد. لاوتن بر این عقیده است که برنامه درسی باید بر پایه فرهنگ هر کشوری شکل گیرد. همچنین، وی می‌گوید که در اقدامات مربوط به بازنگری برنامه درسی دانشگاهی لازم است نظام اجتماعی، اقتصادی، ارتباطات، فناوری، اخلاقی، اعتقادی و زیبایی‌شناختی در نظر گرفته شود. به طوری که ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، در سطح نظام دانشگاهی در قلمرو عمل نیز دیدگاههایی نظیر دیدگاه لاوتن مورد توجه قرار می‌گیرد. برای نمونه، در افریقای جنوبی در چارچوب تجدید ساختار برنامه درسی آموزش عالی، ویژگیهای تلفیق نظریه و عمل، پاسخگویی به توسعه سیاسی و اقتصادی، ایجاد تعهد ملی و بین‌المللی، در نظر گرفتن شیوه‌های مختلف یادگیری، دخالت دادن همه استانداردهای آموزشی، ایجاد زمینه برای پیشرفت، توجه به فرا گرفتن در پیشینه دانشجویان و تدارک راهنمایی برای همه دانشجویان، به عنوان معیارهایی برای چارچوب برنامه درسی آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود (لاگرنبرگ^{۱۲}، ۲۰۰۰).

با وجود این، سعیدی^{۱۳} (۲۰۰۵) بر خلاف دیدگاه لاوتن عوامل دیگری را در شکل‌گیری برنامه درسی دانشگاهها شامل رسالتهای دانشگاه، استادان دانشگاه، علایق و تخصص آنها، جایگاه استادان در محیط دانشکده، دانشکده‌های موجود در دانشگاه، یادگیری تجربی و مسائل اجتماعی را اثرگذار می‌داند.

نگارا^{۱۴} (۱۹۹۵) نسبت به لاوتن و سعیدی دیدگاه واقع بینانه‌تری به برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی و تجدید نظر در آن دارد. وی اظهار می‌دارد:

«برنامه درسی باید دانشجویان را برای کسب محتوای قابل اطمینان و مهارتهای تحلیلی توانا سازد. برنامه درسی باید به دانشجویان در پرورش تفکر اقتصادی و کاوشگری و توانایی عملی منطقی یاری کند. برنامه درسی باید رشد فیزیکی و عقلانی را ارتقا دهد و به دانشجویان کمک کند تا به نقش تفکر انسانی

۱۱. Lowton

۱۲. Lagerbourg

۱۳. Saidi

۱۴. Ngara

در توسعه اجتماعی ارج بگذارند. برنامه درسی باید مهارت‌هایی نظیر مهارت‌های ارتباطی، مدیریتی، مسئله‌گشایی و عملی منطقی را پرورش دهد تا افراد بتوانند ایفاگر نقش‌های خود در سطح اجتماع باشند. برنامه درسی باید به یادگیرندگان کمک کند تا جهان اطراف خود را از نظر طبیعی و انسانی درک کنند و به توسعه آن پردازند و همچنین، ضمن بالندگی هویت خود، مسئولیت اجتماعی خویش را نشان دهند و میهن دوست باشند.»

اگرچه دیدگاه‌های طرح شده از سوی متخصصان برنامه درسی دانشگاهی تا حدودی در مقابل هم قرار می‌گیرند، ولی محتوای کلی دیدگاه‌ها آن است که آنها دستکم در دو زمینه دارای اشتراکاتی هستند: توجه به نیازهای اجتماعی در مفهوم عام آن و در نظرآوردن نیازهای دانشجویان. این نکته در بررسی برای^{۱۵} (۲۰۰۱) نمود عینی پیدا می‌کند. وی بیان می‌کند که برنامه درسی دانشگاهی باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد که عبارت‌اند از: الف. درآمدی سیستماتیک برای رشته مطالعاتی فراهم آورد؛ ب. چارچوبی مقایسه‌ای و زمینه‌ای برای فهم رشته مطالعاتی فراهم آورد؛ پ. دانش و مفاهیم عام دانشجوی گسترش یابد؛ ت. به دانشجوی آزادی و انعطاف‌پذیری بدهد؛ ث. یادگیری خودراهبرانه را در دانشجویان پرورش دهد.

آنچه از دیدگاه صاحب‌نظران ارائه شد، حاکی از اهمیت برنامه درسی دانشگاهی در چارچوب نظامات اجتماعی و زندگی شخصی یادگیرندگان دانشگاهی است. بر این اساس، باید قبل از هرگونه قضاوت و تصمیم‌گیری درخصوص تغییر یا اصلاح برنامه‌های درسی موجود، نخست باید به طور نظام‌مند تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی که بر آموزش عالی و عناصر آن از جمله برنامه‌های درسی تأثیر می‌گذارند، بررسی و شناسایی شوند. همچنین، آگاهی از نوع و میزان تأثیرات و مسائل و چالش‌های ناشی از آنها در هر یک از عناصر آموزش عالی ضروری است. آگاهی‌هایی از این دست به برنامه‌ریزان درسی دانشگاهی دیدگاهی روشن از آنچه پیش روی آنان قرار دارد، می‌دهد. حاصل این بینش روشن تقویت بنیه اقدامات خاص برای برنامه‌ریزی و تجدید نظر در برنامه‌های درسی دانشگاهی است. با وجود این، بررسی خاص در این زمینه پیامدهای زیر را در بر دارد:

۱. ساز کارهای فرایند بازنگری و تدوین برنامه درسی دانشگاه شناسایی می‌شود؛

۲. زیرساخت (شناسایی قوتها، ضعفها، تهدیدها و فرصتها) مناسبی برای فرایند بازنگری و تدوین برنامه درسی فراهم می‌شود؛

۳. داده‌ها و اطلاعات جدید برای فرایند بازنگری و تدوین برنامه درسی دانشگاهی به دست می‌آید.

۴. ویژگیهای خصوصیات فرایند بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاهها شناسایی می‌شود.

اطلاعات حاصل از موارد یاد شده، زمینه را برای هدایت فرایند بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاهی هموار می‌سازد. در واقع، برنامه درسی دانشگاهی اقتضا می‌کند که تصمیمهای مربوط به مراحل برنامه‌ریزی درسی از جمله طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی به‌جای تجویز آن از بیرون به دانشگاه، از درون دانشگاه و جامعه پیرامون آن اتخاذ شود. با این رویکرد اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاهها واگذار شده است.

همان‌گونه که بیان شد، هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت سهم بازنگری برنامه‌های درسی از نظر نوع دانشگاه، گروههای آموزشی، مقاطع تحصیلی و بررسی مسائل و مشکلات دانشگاهها در زمینه بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاهی است.

نتایج حاصل بیانگر آن است که بیشترین سهم واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی مربوط به دانشگاههای دارای هیئت ممیزه، گروه علوم انسانی، دوره‌های کارشناسی و دانشگاههای مستقر در تهران و کمترین سهم واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی مربوط به دانشگاههای بدون هیئت ممیزه، گروه هنر، دوره دکتری و دانشگاههای مستقر در شهرستانها تعلق دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که واگذاری بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاهها گامی در جهت تمرکززدایی و مشارکت دانشگاهها، گروههای آموزشی و اعضای هیئت علمی در فرایند بازنگری و تدوین برنامه درسی دانشگاهی است. نتیجه این تحقیق وضعیت مشارکت دانشگاهها، گروهها و اعضای هیئت علمی را در فرایند بازنگری برنامه‌ریزی درسی رشته‌های دانشگاهی به تصویر کشید. افزون بر این، یافته‌های این تحقیق در زمینه مسائل و مشکلات دانشگاهها در خصوص بازنگری و تدوین برنامه درسی با یافته‌های

پژوهش‌های استارک (۱۹۹۰)، لونبرگ (۱۹۹۵)، مازولی (۲۰۰۰)، وزیر (۱۳۷۸)، ساکی (۱۳۸۰)، اقدسی (۱۳۸۱)، ایمانی طالب آزاد (۱۳۸۲)، مؤمنی مهموئی (۱۳۸۳)، عارفی (۱۳۸۳) و (۱۳۸۴) و زین الدینی (۱۳۸۴) همخوانی دارد. اهم مسائل و مشکلات دانشگاهها در خصوص بازنگری برنامه درسی بدین قرار است:

نبود زیرساختهای مناسب، کمبود نیروی متخصص و کارآمد در حوزه برنامه‌ریزی درسی به‌ویژه در دانشگاههای شهرستانها، عدم رعایت اصول علمی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی، کمبود منابع مالی، نبود الگو یا راهنمای عمل برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی و نبود فرایند نظارت و ارزیابی از عملکرد دانشگاهها در خصوص بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی، قرائت حداقلی از برنامه درسی، نبود انگیزه در اعضای هیئت علمی و عدم سازگاری روح واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی با روح آزمون متمرکز و مقاومت اعضای هیئت علمی در برابر تغییرات.

حاصل کلام اینکه با توجه به فرصت فراهم شده برای بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهها باید در جهت مشارکت در فرایند بازنگری برنامه‌های درسی گامهای اساسی بردارند.

با توجه به اهمیت برنامه‌های درسی و تحقق اهداف نظام آموزش عالی برای بهبود روند فرایند بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تغییر نگرش و باورهای مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی [اعم از حوزه ستادی و دانشگاهها] با توجه به تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی؛

۲. تغییرات ساختاری در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی متناسب با مأموریت جدید در حوزه برنامه‌ریزی درسی؛

۳. توجه به افزایش توانمندیها و صلاحیتهای حرفه‌ای اعضای هیئت علمی به عنوان یک سیاست راهبردی به منظور تدارک زمینه مشارکت آنها در فرایند بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی [برگزاری کارگاه آموزشی در این زمینه بسیار مفید و مؤثر است]؛

۴. پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز دانشگاهها و در اختیار قرار دادن آنها برای تدوین، اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی؛

۵. بازنگری قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها با توجه به تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی.

یادداشتها

[۱] برای آگاهی بیشتر از عملکرد شورای عالی برنامه‌ریزی در طول فعالیت به مجموعه مصوبات شورا در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مراجعه شود.

منابع

الف. فارسی

۱. اقدسی، مریم (۱۳۸۱)؛ بررسی راهکارهای مشارکت اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاههای دولتی تهران در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲. اکرمی، سیدکاظم (۱۳۸۳)؛ «آموزش عالی و انقلاب اسلامی»؛ دایره المعارف آموزش عالی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ص. ۴۷.
۳. ایمانی طالب آزاد، لیدا (۱۳۸۲)؛ بررسی چگونگی اجرای آیین نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴. جاودانی، حمید (۱۳۸۳)؛ «نظام آموزش عالی الجزایر»؛ دایره المعارف آموزش عالی، جلد دوم، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۵. دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی (۸۳-۱۳۷۹)؛ گزارش عملکرد طرح بازنگری محتوای برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها؛ تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۶. رحمان سرشت، حسین (۱۳۷۷)؛ «کنترل دولتی آموزش عالی در جمهوری اسلامی»؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱ و ۲، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، صص. ۱۵۳ - ۱۳۹.
۷. زین الدینی میمند، زهرا (۱۳۸۴)؛ نقش اعضای هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان در تولید برنامه درسی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۸. ساکی، مه‌ری (۱۳۸۰)؛ بررسی الگوی مناسب ساختار برنامه‌ریزی درسی در سطح دانشگاه اصفهان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۹. ساکی، مه‌ری و همکاران (۱۳۸۴)؛ بررسی ساختار مناسب برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه اصفهان؛ مجموعه مقالات قلمرو برنامه‌ریزی در ایران، ارزیابی وضع موجود و ترسیم چشم‌انداز مطلوب، تهران: انتشارات سمت، ص. ۵۷.
۱۰. آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها (۱۳۷۹)؛ شورای عالی برنامه‌ریزی، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. صص. ۱۱، ۱ و ۲.
۱۱. عارفی، محبوبه (۱۳۸۴)؛ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. عارفی، محبوبه (۱۳۸۳)؛ بررسی رشته علوم تربیتی در آموزش عالی ایران ...، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی (۱۳۷۸)؛ بررسی ساختار و عملکرد شورای عالی برنامه‌ریزی تهران تا سال ۱۳۷۸؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ص. ۸۸.
۱۴. مؤمنی مهموئی، حسین (۱۳۸۳)؛ بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه‌ریزی درسی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. نعمتی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳)؛ گزارش ملی آموزش عالی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ص. ۲۵.
۱۶. نوروززاده، رضا و همکاران (۱۳۸۵)؛ تفویض اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها، گامی در جهت تمرکززدایی برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش عالی؛ کتاب مجموعه مقالات انجمن مطالعات برنامه‌ریزی درسی (زیر چاپ).
۱۷. وزیری، مژده (۱۳۷۸)؛ «نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران، ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها؛ رساله دکتری». تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

ب. لاتین

۱. Altbach, P. G. (۱۹۸۸); Comparative Studies in Higher Education in: Postlethwaite; in (ed.) *The Encyclopaedia of Comparative Education and National System of Education*, pp. ۶-۷.

۲. Breier, M. (۲۰۰۱); *Curriculum Restructuring in Higher Education in Post Apartheid South Africa*, Education Policy Unit; University of Western Cape, P. ۱۴.
۳. Lagerbourg, T. (۲۰۰۰); *Curriculum Development in South Africa Universities*; PretoriaL Pretoria University Publication.
۴. Lawton, D. (۱۹۹۳); *Curriculum Studies and Educational Planning*; Hodder and Stought on London, P. ۳۰.
۵. Levenburg, M. (۱۹۹۵); *A Model for Effective Curriculum Development in Operations Management the Union*.
۶. Mazzoli, j. A. (۲۰۰۰); *Faculty Perceptions and Their Influence on the Curriculum in Higher Education*; Doctoral Dissertation in University of South Carolina, P. ۱۳۵.
۷. Ngara, E. (۱۹۹۵); *the African University and its Misson Institute of Southern African Studies*, P. ۸۲.
۸. Saidi, F. E. (۲۰۰۵); *It Develop a Curriculum Model for the Education of Architects Within the Needs of a Changing South Africa University of Pretoria etd*.
۹. Stark, j. & R. Lattuca (۱۹۹۳); *Diversity Among Disciplines the same Goals for all New R. Directions for Higher Education*.
۱۰. Stark, J. S. (۱۹۹۰); "Approaches to Assessing Educational Outcomes"; *Journal of Stealth Administration Education*.
۱۱. Stark, Others (۱۹۹۷); *Program and Level Curriculum Development Research in Higher Education*.